

یک فنجان چای با فرشتگان رانده شده

(جالشی در درمان اعتیاد زنان در ایران)

پروفسور کیت دولان

ترجمه: محمدرضا علیدادی

ویراستار علمی: رویا نوری

تهران ۱۳۹۵



جامعه معاصر

تهران: خ ولیعصر (ع)، خ بزرگمهر، خ سرپرست جنوبی، شماره ۹

تلفن: ۶۶۹۷۲۱۱۱

یک فنجان چای با فرشتگان رانده شده

(چالشی در درمان اعتیاد زنان در ایران)

تالیف: کیت دولان • مترجم: محمدرضا علیدادی • ویراستار علمی: رویا نوری
• ساماندهی اثر: انجمن یاران مهر • ناشر: جامعه معاصر • طرح جلد، چاپ
و صحافی: آبنوس • قیمت: ۱۷۰/۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۷-۷۲-۷

همه حقوق مقرر در این کتاب متعلق به ناشر است.

سرشناسه	دولان، کیت
عنوان و نام پدیدآور	یک فنجان چای با فرشتگان را • شده چالشی در درمان اعتیاد زنان در ایران/ کیت دولان: ترجمه: محمدرضا علیدادی، ویراستاری علمی: رویا نوری
مشخصات نشر	تهران: جامعه معاصر، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۲۴۷ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵
فروست	مطالعات اجتماعی
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۷-۷۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: A Cup if tea with the done angels: the challeng of treating addiction
موضوع	چالشی در درمان اعتیاد زنان در ایران
موضوع	Women drug addicts -- Rehabilitation
موضوع	اعتیاد -- ایران -- درمان
موضوع	Drug addiction -- iran -- treatment
شناسه افزوده	علیدادی، محمدرضا، ۱۳۶۲ مترجم
شناسه افزوده	نوری، رویا، ۱۳۴۱، ویراستار
رده‌بندی کنگره	H۷۵۸۲۴ / ۹ د ۹ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی	۳۶۲ / ۲۹۰۸۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۶۱۸۸۷

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	سخن نویسندگان
۱۵	فصل اول : طالع یک ایده
۴۷	فصل دوم: دیداری به روش - از در اسلوونی
۹۷	فصل سوم: افتتاح کلینیک درمان
۱۳۳	فصل چهارم : تشکیل تیم درمان
۱۵۹	فصل پنجم: در جست و جوی پول
۱۷۳	فصل ششم : جریان زندگی در کلینیک زنان
۲۰۷	فصل هفتم: خاطرات تلخ و شیرین
۲۳۹	فصل هشتم : آخرین روز در کلینیک زنان

به نام خدا

پیشگفتار

در بررسی‌گری که اعتیاد زنان در ایران به دغدغه‌های اجتماعی افزوده شده است، بسیاری از گروه‌های مختلف اجتماعی اعم از کارشناسان، درمان‌گران و سازمان‌های دولتی و غیردولتی با توجه ویژه‌ای به موضوع زنان، آسیب‌های مرتبط با این قشر را در اولویت قرار داده و در راستای ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر شواهد و تجربیات به منظور مواجهه با این مسئله اجتماعی به تدابیر اندیشه‌اند. از یک سو راه‌اندازی اتاق‌های فکر و فعال نمودن ساختارهای نوین مرتبط با زنان در چارت‌های سازمانی، اعلام اولویت‌های تحقیقاتی، در حوزه زنان، برگزاری سمینارها و همایش‌هایی با موضوع آسیب‌های رفتاری و اجتماعی زنان و از سوی دیگر التهاب اصلاح پروتکل‌های درمانی مردانه که شاید با کمی اغماض بتوان نیازها و ابهامات و سردرگمی‌های درمانی زنان معرّفی‌کننده مواد را در گوشه‌ای از این پروتکل‌ها لحاظ نمود، از جمله فعالیتهایی است که سال‌های اخیر در سازمان‌های مختلف با آن مواجه هستیم. در حالی که قبح فرهنگی و اجتماعی اعتیاد زنان پرده‌ای میان زن مصرف‌کننده مواد و جامعه‌ای که او را گناهکار می‌داند، کشیده است تا از خدشه‌دار شدن باورهایی که یک زن را در فرهنگ ایرانی تعریف می‌کند؛ جلوگیری نماید؛ اما همین هراس به پنهان‌تر شدن زنان معتاد دامن‌زده، به گونه‌ای که امکان شناسایی ابعاد مختلف اعتیاد زنان به عنوان یک مسئله اجتماعی محدود شده است. از آنجایی که تلاطم عبور از سنت به مدرنیته؛

سرنوشت بلامنازع جوامع بشری است و زنان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار یک جامعه، از جمله قربانیان تغییر نقش‌ها و باورهای جهان مدرن به شمار می‌آیند؛ زنان ایرانی نیز از این موج در امان نمانده‌اند و در معرض آسیب‌های متعدد اعم از اعتیاد قرار گرفته‌اند. حدود سال ۱۳۹۰ حوزه مطالعاتی اینجانب که سال‌ها بر روی اعتیاد متمرکز بود، به طور ناخواسته و اتفاقی به سمت اعتیاد زنان متمایل شد. از روزها در حال مطالعه بررسی نیازهای زنان مصرف‌کننده موادی بودم که در معرض ابتلا به ایدز قرار داشتند. هر روز جلسات مصاحبه با دستار کان معنوع زنان برگزار می‌شد. یکی از روزهایی که برای مصاحبه به کلان کار یکی از مسئولین حوزه اعتیاد رفته بودم، کاملاً تصادفی به میهمانی دکتر استرالیا معرفی شدم. خانم پروفسور کیت دولان برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی، پیشگیری از ایدز ویژه مسئولان زندان‌ها به ایران دعوت شده بود. ترجمه به حوزه مطالعاتی مشترک با ایشان هم کلام شدیم و این آغازی بر آشنایی بود. نکته قابل توجه؛ نگرانی و دغدغه ایشان در خصوص زنان مصرف‌کننده موادی بود که جزو پایین‌ترین سطح طبقات اجتماعی به شمار می‌آمدند که البته این موضوع تنها در مورد زنان ایرانی صدق نمی‌کرد و شامل زنان طبقات اجتماعی پایین در دیگر کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه نیز می‌شد. تلاش‌های مستمر ایشان در جایگاه فردی از اهالی دانشگاه که می‌توانست تنها به کلاس‌های درس و چالش‌های دانشجویانش محدود شود؛ برای راه اندازی مرکز کاهش آسیب زنان در منطقه شوش تهران، تحسین بر انگیز محسوب می‌شد. شخصیت قاطع و راسخ ایشان ذهن من را به خود مشغول کرده بود و ناخودآگاه، حس احترام را در من بر می‌انگیخت.

ماه‌ها گذشت؛ روزی از ایشان ایمیلی دریافت کردم و از به اتمام رسیدن کتابی که در طی سال‌ها سفر به ایران و مواجهه با زنان مصرف‌کننده مواد در تهران به نگارش در آورده بود، مطلع شدم. دکتر دولان در این پیام از من خواسته بود تا کتاب را از منظر یک پژوهشگر زن ایرانی که در حوزه اعتیاد زنان کار می‌کند، بخوانم و نظر خود را بدهم. کتاب را به دست گرفتم و شروع به خواندن کردم و در نیمه‌های کتاب احساس مشترک زن بودن از هر نژاد و قومیتی در آن سوی قاره‌ها و از دور افتاده‌ترین سرزمین‌ها به هم گره خورد و ناگاه همه مرزهای تفکیک کننده میان ما انسان‌ها را محو کرد و من به دنبال رد پای همه زنان قصه، کتاب، دار و دار، بن گذاشتم.

کتاب حاضر، تلاشی است از نگاهی روایت گونه به زندگی روزمره زنان درگیر اعتیاد و رویکردی پژوهشی مدار از منظر یک متخصص زن غیر ایرانی به چالش‌های درمان اعتیاد زنان در ایران. در طول قصه شدت حضور نویسنده، که خود نیز یک زن است در کنار خواننده به چشم می‌خورد. وی با حس مادرانه‌ای که خلقت او بخشیده با دغدغه‌های زندگی شغلی‌اش در آمیخته، به دنبال دست یافتن به گهواره‌ای آرام برای زنان درمانده داستان‌ش تلاش می‌کند و در کنار تجربه تریاک‌کودکان خود، اندوه ناشی از مرگ یکی از دوستانش را نیز از سر می‌آورد. براند و در این گذر، از دیده‌هایش می‌گوید.

امروز بعد از گذشت چند سال، اشتیاق دوست عزیزم خانم پروفسور دولان به ترجمه این کتاب به زبان فارسی و نشر آن در کشور ایران؛ مرا بر آن داشت تا فرایند ترجمه و اخذ مجوز را عهده‌دار شوم. امید دارم مقبول علاقه‌مندان افتد و روزه‌ای باشد برای آنان که به تجارب و دیدگاه‌های متفاوت توجه می‌کنند.

پروفسور کیت دولان در سال ۱۹۸۶ اولین برنامه توزیع سرنگ و سوزن را در کشور استرالیا راه‌اندازی کردند؛ در حالی که در همان زمان، کشور استرالیا سومین کشوری به شمار می‌آمد که این برنامه را در جهان آغاز کرده بود. ایشان، دکترای تخصصی خود را از دانشگاه نیو ساوت ولز در رشته پزشکی اجتماعی در شهر سیدنی و در سال ۱۹۹۷ دریافت کردند. در سال ۲۰۰۳، برنامه آموزش و پژوهش بین‌المللی را راه‌انداختند. هدف این برنامه، ظرفیت‌سازی پژوهشگران و درمانگران حوزه پیشگیری از ابتلا به HIV و درمان وابستگی به مواد در کشورهای در حال توسعه بود. ایشان اولین مرکز درمان جایگزین/نگهدارنده اعتیاد با متادون برای زنان در ایران را فعال و سپس ارزیابی نمودند. در حال حاضر، تعداد این مراکز به ۵ کلینیک، درمانگر در جنوب تهران افزایش یافته است.

حوزه مطالعاتی مورد علاقه ایشان شامل درمان اعتیاد به مواد در میان زندانیان، درمان اعتیاد زنان، پیگیری از انتقال عفونت اچ آی وی و هیپاتیت C در میان مصرف‌کنندگان تزریقی مواد و زندانیان است. وی در سمت مشاور در دفاتر و آژانس‌های بین‌المللی سازمان ملل اعم از دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)، دفتر مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز (UNAIDS) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) فعالیت داشته‌اند و دارای بیش از ۲۰۰ عنوان مقاله علمی منتشر شده در مجلات معتبر بین‌المللی می‌باشند.

رویا نوری

مدیر عامل انجمن

یلدایاران مهر

سخن نویسنده

فکر نوشتن یک کتاب پیرامون درمان بالینی زنان زمانی به ذهنم خطور کرد که دریافتیم نشریات دانشگاهی، مانند مقالاتی که توسط همکارانم در مجلات معتبر علمی چاپ می‌شوند، فضا و سبک مناسبی برای بازگو کردن روایاتی که به شرم و خجالت می‌بینم، فراهم نمی‌کنند. داستان‌های زنان را نمی‌توان در چارچوب مشخص و منظم مقالات دو هزار کلمه‌ای جای داد. در عین حال، این داستان‌ها که مجموعه‌ای از روایات من و زنان در طول یک دهه کار بر روی این پروژه به شمار می‌آیند، مناسب برای خلق یک کتاب بودند.

اطلاعات این کتاب از منابع زیادی برگرفته شده، اما بیشتر این اطلاعات برگرفته از تحقیقاتی است که تحت نظارت این بانو انجام شده است. بنده همکاری تنگاتنگی با یک پژوهشگر ارشد داشتم که غرور راهنمای دو دستیار پژوهش بودند. در نتیجه، در طول اقامتم در ایران اطلاعات ارزشمندی از مشاهدات و مکالمات انجام شده بدست آوردم.

ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش، شامل فرم‌های ثبت‌نام، مصاحبه‌ها و نیز مصاحبه‌های عمیق و بحث‌های گروهی متمرکز می‌شود. با زنان مورد مطالعه در چند نوبت مصاحبه شد تا روند پیشرفت آن‌ها بررسی شود. برای دست یافتن به داده‌های واقعی و معتبر، نمونه‌های خون، مدفوع و ادرار جمع‌آوری و مورد آزمایش قرار گرفت. حجم زیادی از این اطلاعات، از

گزارش‌های ماهانه‌ای به دست می‌آمد که توسط رابط پروژه برایم ارسال می‌شد و امکان دنبال کردن پیشرفت درمانگاه‌ها را برایم فراهم می‌کرد.

برای پژوهش مورد نیاز این کتاب، چهار بار به ایران سفر کردم که یک بار قبل و سه بار پس از افتتاح درمانگاه بود. طی این مدت با افراد برجسته ای در تهران ملاقات کردم؛ از جمله یک معاون دانشگاه، متخصصان حوزه تحقیق وادمخدر، پژوهشگران حوزه رفتارهای جنسی، کارکنان سازمان ملل و یک روانپزشک که همه‌ی آن‌ها به کامل شدن درک من از فرهنگ ایران کمک نمودند. همچنین، از طریق تلفن و ایمیل با مسئول هماهنگی، همکار پژوهش، پردیس که مدیر انجمن غیردولتی پرسپولیس بود، ارتباط داشتم.

وقایع این کتاب مقطع زمانی یک دهه را شامل می‌شود؛ بنابراین برخی از خاطرات ممکن است به نظر سختی در یادآوری وقایع دقیق نباشند. برای حفظ هویت افراد، نام‌ها، مفاهیم و اطلاعات و مشخصات افراد را تغییر داده‌ام. مراجعینی که در این کتاب در آن‌ها یاد می‌شود، آن گونه نیستند که در این کتاب مصور شده‌اند. داستان‌هایی که از زنان مختلف نقل شده‌است را با یکدیگر درآمیخته و چهار شخصیت داستان را خلق کردم. تمام داستان‌های آورده شده در این کتاب، برای من و یا پژوهش‌هایم نقل شده‌اند و در انتقال آن‌ها تلاش کردم تا نسبت به بیان دقیق داستان زندگی این افراد وفادار باشم. در مجموع، من تمام مسئولیت این کتاب را به عاتق می‌گیرم.

در آغاز سخن شاید بهتر باشد بگویم این کتاب راجع به چیست. نیست. از آنجایی که در زمینه سیاست و مذهب صاحب‌نظر نیستم، نظرات من در این حوزه‌ها نمی‌تواند بهتر از نظرات سایر افراد به شمار آید. اما من، یک پژوهشگر موادمخدر با بیش از بیست سال تجربه هستم و می‌توانم از دانشم در زمینه مسائلی همچون ایدز، موادمخدر، زنان، درمان و زندان بهره‌جسته و صاحب‌نظر باشم. امیدوارم که این کتاب دریچه‌ای برای دیدن زندگی زنان در جنوب تهران و نگاهی کلی‌تر نسبت به ایران فراهم کند.